



رویترز - روزنامه خواندن مردی هندی در قطار بین شهری و تاریک



رویترز - تصادف قطار شادی بابائونل در زوریخ، سوئیس!



آسوشیتد پرس - قوی سفیدی در دریاچه پارک فرانکفورت، آلمان

دنیابره روایت تصویر

در محضر بزرگان

آینده‌ای که هرگز نمی‌رسد

استاد شهید مطهری درباره آرزوهای طولانی که در دین مان امری ناپسندیده است، گفته‌اند: «یکی از چیزهایی که مذموم است در آزی آرزوست که در زبان دین «طول امل» نامیده می‌شود. طول امل همین روحیه تصبیع وقت است به امید این که در آینده طولانی جبران می‌کنم، همان آینده‌ای که کسی نمی‌تواند اطمینان داشته باشد در ساعت بعد و در لحظه بعد چه بر سرش می‌آید. باید آدمی روحیه «هنوز دیر نشده» و «هنوز وقت دراز است» و امثال این‌ها را از خود دور کند.»

احکام

شک در تلفظ صحیح کلمات نماز

محمد علی نذاتی -کسی که در یک نماز دست کم سه مرتبه شک کند، کثیرالشک نامیده می‌شود. چنین شخصی اگر در نماز شک کرد نباید به شک خود اعتنا کند. خواه شک در رکعت‌های نماز باشد یا در اجزای نماز. بر این اساس در استفتایی از حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای پرسیده شده است که اگر کسی در تلفظ درست ذکرهای نماز بسیار شک می‌کند حکمش چیست؟ معظم له در پاسخ چنین فتوا داده اند: **سوال:** در نمازهای خیلی شکاک شده‌ام. درباره تلفظ صحیح کلمات همیشه دو دل هستم و همیشه در آخر، سجده سهو به‌جا می‌آورم. به خصوص در نمازهای ظهر و عصر که باید کلمات به‌هستگی تلفظ شود، بیشتر شک می‌کنم. آیا در این نمازها اگر صدای ادای بعضی از حروف بلند شود، به‌جواب: کثیرالشک به شک خود اعتنا نمی‌کند و همین که به‌طور متعارف قرائت نماز را طبق لسان اهل زبان عربی بخواند کافی است و رعایت محسّنات تجویدی لازم نیست و موارد سجده سهو موارد مشخصی است که در رساله‌های عملیه مذکور است و در نمازهای اخفائیه همین که در حال ادای حمد و سوره، صدا بدون جوهر باشد، صحیح است.

فتو شعر

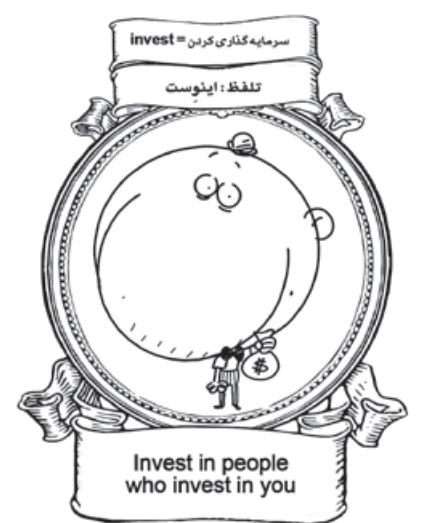


حکایت

هر چیز که خوار آید، یک روز به‌کار آید

روزی مرد روستایی و پسرش از ده به سوی شهر حرکت کردند. مقداری راه که رفتند یک نعل یافتند مرد روستایی به پسرش گفت: «نعل را بردار که به‌کار می‌آید.» پسر جواب داد: «این نعل آهنی به زحمت برداشتنش نمی‌آزد.» مرد خودش نعل را برداشت و توی جیبش گذاشت. وقتی به آبادی وسط راه رسیدند نعل را به یک نعل فروش فروختند و با پولش مقداری گیلان خریدند و به‌راه خودشان ادامه دادند تا به صحرا رسیدند. در صحرا آب نبود و پسر داشت از تشنگی هلاک می‌شد. مرد که جلوتر از پسرش می‌رفت یکی از گیلان‌ها را به زمین انداخت. پسر دولا شد و گیلان را از زمین برداشت تا به آب و آبادی رسیدند هر چند قدمی که می‌رفتند مرد یک دانه از گیلان‌ها را به زمین می‌انداخت و پسر هم آن را برمی‌داشت و می‌خورد. آخر کار مرد رو کرد به پسرش و گفت: «یادت هست که گفتم آن نعل را بردار، گفתי به زحمتش نمی‌آزد؟» پسر گفت: «بله یادم هست.» پدر گفت: «دیدي که من آن را برداشتم و با پولش گیلان خریدم؛ اما یک جا ندادمت. برای این که مطلب را خوب متوجه بشوی، گیلان‌ها ۳۷ دانه بود و تو ۳۷ بار به خودت زحمت دادی و آن‌ها را از زمین برداشتی، اما یک بار به خودت زحمت ندادی که نعل را برداری.»

انگلیش آموزی



روی آدم هایی سرمایه گذاری کن که روی تو سرمایه گذاری می‌کنن

اندک صبر

نترس

هرگز نترس قایق من! موجی که غرق نکند بالاترمان می‌برد...

نویسنده: مهتر تاتاری، تصویر ساز: سعید مرادی

معین دهاز

دانستنی های جالب

آلفرد برنهارد نوبل، زاده ۲۱ اکتبر ۱۸۳۳ در استکهلم سوئد و درگذشته ۱۰ دسامبر ۱۸۹۶ در سانرموی ایتالیا، شیمی‌دان، مهندس، مبتکر و اسلحه‌ساز سوئدی است که به‌عنوان مخترع دینامیت شناخته می‌شود. گفته می‌شود انتشار مطلب دروغین فوت نوبل در یک روزنامه فرانسوی در سال ۱۸۸۸، در حالی که او را به دلیل اختراع دینامیت گناهکار خوانده بود، نوبل را به فکر ایجاد تصویر بهتری از خود نزد آیندگان واداشت. در سال ۱۸۹۵ آلفرد نوبل آخرین وصیت نامه خود را امضا کرد و بیشتر دارایی خود را به جایزه‌های اختصاصی داد تا همه ساله بدون توجه به ملیتی خاص، به افراد شایسته در چندین رشته اهدا شود. جایزه ای که سال‌ها بعد از مرگش و به مرور در برخی حوزه‌ها رنگ و بوی سیاسی هم گرفت.

● **آلفرد نوبل در ایران**

روایت‌هایی در خصوص سفر آلفرد نوبل به شهر رشت وجود دارد. برادران آلفرد نوبل که صاحب یک شرکت اکتشاف نفت بودند، ساکن شهر رشت و با اجازه‌نامه



به مناسبت سالگرد درگذشت آلفرد نوبل جایزه نوبل و ایگنوبل

این جایزه هم از دو کلمه noble و ignoble به معنی بی ارزش و مایه شرمساری گرفته شده است. البته طرح‌ها و تحقیقات کاملاً علمی هستند و هر سال از میان صدها مقاله، هیئت رئیسه به دستاوردها و تحقیقاتی که «ابتدا و در میانه محوطه فعلی صدا و سیماي رشت واقع در خیابان نوبل (بولوار

● **ایگنوبل ۲۰۱۷ به چه کسانی رسید؟**

از جمله مهم‌ترین و جالب‌ترین پژوهش‌های معرفی شده در مراسم امسال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بررسی این سوال که آیا گربه می‌تواند در آن واحد در هر دو حالت جامد و مایع باشد؟ چرا پیرمردها گوش‌های بزرگی دارند؟ اگر فردی یک لیوان قهوه در دست داشته باشد و رو به عقب گام بردارد، چه اتفاقی در فنجان قهوه می‌خواهد افتاد! و تیمی از پژوهشگران نیز با استفاده از روش‌های پیشرفته تصویربرداری از مغز، تلاش کرده بودند دلیل تفریح برخی افراد را از پنیر کشف کنند!

● **جایزه ایگنوبل**
جایزه علمی ایگنوبل تقلیدی طنزگونه از جایزه نوبل است که هر سال اوایل اکتبر و تقریباً همزمان با اعلام نام برندگان نوبل واقعی در ۱۰ رشته داده می‌شود. اسم

منابع: خبرانلاین، الف، راسخون



قاپ ایران

سبلان، قله‌ای با دریاچه

کوه سبلان که در زبان محلی ساوالان نامیده می‌شود با ارتفاع چهار هزار و ۸۱۱ متر و در استان اردبیل، به عنوان سومین قله مرتفع ایران شناخته می‌شود. کوه سبلان با مسیرهای متعدد کوهنوردی از ساده تا فنی و طبیعت‌بکر خود یکی از معروف‌ترین و پرتددترین کوه‌های ایران برای کوهنوردان داخلی و خارجی است. اما آن چه این کوه را از دیگر کوه‌های سرتاسر دنیا متمایز می‌سازد وجود دریاچه‌ای منحصر به فرد روی قله آن است که به جز سه ماه تابستان در بیشتر روزهای سال یخ زده است. فراموش نکنید اگر قصد صعود به این کوه زیبا را داشتید حتماً گروهی سفر و از راهنماهای با تجربه استفاده کنید، چرا که علاوه بر خطرات کوهنوردی وجود خرس قهوه‌ای در این کوهستان نیز می‌تواند برای کوهنوردان افرادی و کم تجربه خطر آفرین باشد.



مسابقه چی شده؟

گره کور!



سلام. مسابقه دوست داشتنی و پرتفریدار «چی شده؟» این بار سوار مترو شده تا شما در سرعت بالا و شلوغی جمعیت هم نمک تون رو به‌رخ ما بکشین! شما باید برای این عکس یک شرح حال طنز و یا به‌نویسید تا ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) فرصت دارید داستان آن را برای ما بفرستید. لطفاً در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی شده؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو حتماً بنویسید. بنابراین پیامک ارسالی باید این جوری باشه: «چی شده؟ وقتی... (نام و نام خانوادگی)». بامزه‌ترین و خلاقانه‌ترین جمله‌های فرستاده شده، روز سه شنبه به اسم خود نویسنده‌ها چاپ می‌شه. شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۳۹۱۵۲۰۳۹۱۵ هم آماده دریافت پیام‌های شماست. همیشه خوش باشید. و اما چند مثال:

● وقتی تو مترو نشستی و چشمت به یه پیرمرد می‌افته و خودت رو به مرضی می‌زنی تا جات رو بهش ندی!
● وقتی بازی تلقن همراهت به مراحل پیچیده می‌رسه!
● وقتی هوا سرده و توقف فقط به لا تیشتر پوشیدی!

سوتی های نامرئونی و در تلگرام به شماره ۳۹۰۳۹۰۱۵۲۰۳۹۱۵ - بفرستید.



افسانه های نوین

جنگل اسرار آمیز و مرد فضول

در زمان‌های قدیم مردی از کنار جنگلی می‌گذشت. (برای من به عنوان مولف این افسانه‌ها جالب است که چرا در زمان‌های قدیم این قدر مردم در حال رفت و آمد بودند؟ یا مردی از کنار جنگل می‌گذشت، یا پیری در صحرا قدم می‌زد، یا جوانی وسط کوهستان یللی تللی می‌کرد... مگر آن زمان افراد کار و کاسبی نداشتند که دایم در حال چرخیدن بودند؟) شیری را دید که برای شغالی خط و نشان می‌کشید. (حالا چطور شیر برای شغال خط و نشان می‌کشیده و این مرد بیکار از کجا فهمیده آن کار خط و نشان کشیدن است، بماند! مولف) مرد همان‌طور که در کار شیر و شغال فضولی می‌کرد دید شغال داخل خانه اش شد و در را بست و شیر همان‌طور برای خودش توی هوا به خط و نشان کشیدنش ادامه می‌داد. مرد که سرگرم فضولی در حیات وحش بود و تعجب کرده بود، صدایی از بالای درخت شنید. نگاهی به بالا انداخت و دید کلاغی سخنگوست. (کجوانا! چا جنگل عجایب بوده یا نویسنده مقداری حالش خوش نبوده و فکر می‌کرده حیوانات حرف می‌زنند! مولف) کلاغ نگاهی به مرد کرد و افزود: «چه چیز تو را چنین متعجب کرده؟»

مرد با تعجب افزود: «تو کف این کارهای شیر و شغال... کلاغ پوزخندی زد و افزود: «ای نادان! آن‌ها سرت را گرم کردند تا رو به‌پنجه غدایت را بزند!» مرد نگاهی به اطراف کرد و دید جاتر است و غذا نیست. سپس دوباره نگاهی به بالا انداخت و افزود: «چی به شیر و شغال می‌رسه؟» کلاغ دوباره پوزخندی زد و افزود: «رو به‌ا گرسنه بود و غدایت را خورد و جان گرفت، شغال هم رفت داخل لانه تا استراحت کند، شیر هم با آن کارها خودش را گرم کرد تا سه‌تایی به تو حمله کنند و حسابت را ببرند!» مرد ضمن تشکر از کلاغ بابت این اطلاعات گران بهایش، آب دهانش را قورت داد و افزود: «حالا این وسط چی به تو می‌رسه؟» کلاغ این بار قار قار خندید و افزود: «آن‌ها کیسه رو را به من وعده دادند تا سرت را گرم کنم... قار قار قار... چون افسانه‌های ما خشن نیستند، در این لحظه مرد نقاشی را داشت و همه دیدند او کیسه نیست جز «زبل خان»، شکارچی ماهر دوران. از دیدن وی همه حیوانات جنگل رم کردند و مرد صحیح و سالم به راه رفتن در جنگل و فضولی در کار حیوانات پرداخت.

تا حالا دقت کردین



ایده و اجرا: مهتر جانپان و مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۳۰۰۰۹۹۹

● درباره عکس روز پنج شنبه با نام «نمای هوایی از یک اتاق دانشجویی» به‌نظم توهمین به‌دانشجوست. ازبس خردمان‌ودانه برنج‌ریخته‌شده به‌لانه مرغ بیشتر شبیه است‌اتاقی دانشجویی! ● آفرین به زندگی سلام که چندین پرونده را به‌آشنایی با هنر موسیقی ایران اختصاص داد. اگر این هنر به جوان ایرانی به خوبی معرفی شود، دیگر سراغ برخی آهنگ‌های امروزی که به جز گوش خراشی چیز دیگری ندارد نمی‌رود. ● آیا می‌دانید آق کمال در زمان خواجه حافظ شیرازی هم بوده؟ این هم شاهد مثال: شاها اگر به عرش رسانم سربز فضل، مملوک این جنابم و مسکین این درم، ور باورث نمی‌کند از بنده این حدیث، از گفته کمال دلیلی بیابورم، گر بکنم دل از توو بردارم از تو مهر، آن مهر بر که افکنم آن دل کجا بژم! ● آقای مسعود ۱۲ ترمه: مو حاضر هم اتاقتو بشم و همه کارهایی که گفتنی انجام بدم، به شرطی که سر جلسه امتحان به‌تو تقلب نرسانم! ● دانشجوی مشروطی ● ای کاش بازار میوه و تره بار شهرمان میوه درخت علم را نیز خرید و فروش می‌کرد!

● عکس تیر چراغ برق دروغ محض بود، چون پایه نداره. یعنی فقط بین دو طبقه است. وگرنه باید گفت اداره برق و شهرداری شهر مربوط به عکس خوانبند.

● جاهای سخت زندگی ام فهمیدم دوستان زیادی ندارم. فقط آدمای زیادی رو می‌شناسم. مسعود مجنونپور